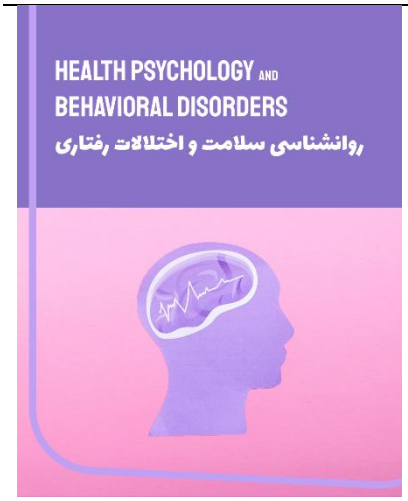
اعتباریابی الگوی مسئولیت و اندیشه فرزندآوری مبتنی بر رویکرد سهم‌گذاری در تصمیم‌گیری عملکرد زوج‌های بدون فرزند

تاریخ ارسال: ۱۴۰۴/۱۱/۲۵ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۵/۰۳/۰۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۳/۱۳ تاریخ چاپ اولیه: ۱۴۰۵/۰۸/۱۲ تاریخ چاپ نهایی: ۱۴۰۶/۰۱/۰۱

چکیده

پژوهش حاضر با هدف اعتباریابی الگوی مسئولیت و اندیشه فرزندآوری مبتنی بر رویکرد سهم‌گذاری در تصمیم‌گیری عملکرد زوج‌های بدون فرزند انجام شد. این پژوهش از نوع توصیفی-همبستگی و مبتنی بر مدل‌یابی معادلات ساختاری بود. جامعه آماری شامل تمامی زوج‌های بدون فرزند شهر تهران در سال ۲۰۲۶ بود که از میان آن‌ها ۴۲۰ نفر (۲۱۰ زوج) به روش نمونه‌گیری هدفمند و در دسترس انتخاب شدند. ابزارهای پژوهش شامل پرسشنامه مسئولیت‌پذیری، پرسشنامه اندیشه فرزندآوری و پرسشنامه سهم‌گذاری در تصمیم‌گیری عملکرد زوجین بود. داده‌ها با استفاده از نرم‌افزارهای SPSS-27 و AMOS-26 تحلیل شدند. برای تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی، ضریب همبستگی پیرسون و مدل‌یابی معادلات ساختاری استفاده شد. نتایج نشان داد که بین مسئولیت‌پذیری، اندیشه فرزندآوری و سهم‌گذاری در تصمیم‌گیری عملکرد زوجین رابطه مثبت و معناداری وجود دارد ($P<۰,۰۱$). همچنین شاخص‌های برازش مدل شامل $\chi^2/df=۲,۴۱$، CFI=۰,۹۵ و RMSEA=۰,۰۵۸ بیانگر برازش مطلوب مدل پیشنهادی بودند. نتایج تحلیل مسیر نشان داد که مسئولیت‌پذیری دارای اثر مستقیم و معنادار بر سهم‌گذاری در تصمیم‌گیری عملکرد زوجین ($\beta=۰,۴۹$) و اندیشه فرزندآوری ($\beta=۰,۵۴$) است. همچنین اندیشه فرزندآوری تأثیر مستقیم و معناداری بر سهم‌گذاری در تصمیم‌گیری عملکرد زوجین داشت ($\beta=۰,۳۶$). افزون بر این، اندیشه فرزندآوری در رابطه بین مسئولیت‌پذیری و سهم‌گذاری در تصمیم‌گیری نقش میانجی معناداری ایفا کرد. بر اساس یافته‌های پژوهش، مسئولیت‌پذیری و اندیشه فرزندآوری نقش مهمی در تبیین سهم‌گذاری زوجین در تصمیم‌گیری‌های خانوادگی دارند و رویکرد سهم‌گذاری می‌تواند چارچوبی مناسب برای ارتقای تعاملات زوجین و نگرش مثبت نسبت به فرزندآوری فراهم کند. بنابراین، توجه به ابعاد روان‌شناختی و ارتباطی خانواده در برنامه‌های مشاوره‌ای و سیاست‌گذاری‌های مرتبط با فرزندآوری ضروری به نظر می‌رسد.

کلیدواژگان: *مسئولیت‌پذیری، اندیشه فرزندآوری، رویکرد سهم‌گذاری، تصمیم‌گیری زوجین، زوج‌های بدون فرزند، مدل‌یابی معادلات ساختاری*



مسلم نوری[۱]، معصومه اسمعیلی[۲*]، امید مرادی[۳]

۱. گروه مشاوره، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران.

۲. گروه مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران.

۳. دانشیار، گروه خانواده و مشاوره، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران.

* ایمیل نویسنده مسئول:
m.esmaeili@atu.ac.ir

شیوه استناددهی: نوری، مسلم، اسمعیلی، معصومه، و مرادی، امید. (۱۴۰۶). اعتباریابی الگوی مسئولیت و اندیشه فرزندآوری مبتنی بر رویکرد سهم‌گذاری در تصمیم‌گیری عملکرد زوج‌های بدون فرزند. *روانشناسی سلامت و اختلالات رفتاری*، ۵(۱)، ۱۵-۱.

© ۱۴۰۶ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به‌صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

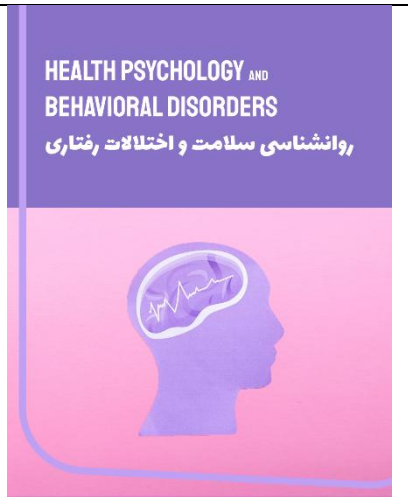
Validation of a Responsibility and Childbearing Cognition Model Based on the Contribution-Oriented Approach in the Decision-Making Performance of Childless Couples

Submit Date:	Revise Date:	Accept Date:	Initial Publish Date:	Final Publish Date:
2026-02-14	2026-05-26	2026-06-03	2026-11-03	2027-03-21

Abstract

The present study aimed to validate a model of responsibility and childbearing cognition based on the contribution-oriented approach in the decision-making performance of childless couples. This study employed a descriptive-correlational design using structural equation modeling. The statistical population consisted of childless couples living in Tehran in 2026, from whom 420 individuals (210 couples) were selected through purposive and convenience sampling. Research instruments included the Responsibility Questionnaire, Childbearing Cognition Questionnaire, and Contribution-Based Couple Decision-Making Questionnaire. Data were analyzed using SPSS-27 and AMOS-26 software. Descriptive statistics, Pearson correlation coefficient, and structural equation modeling were used for data analysis. The findings indicated significant positive relationships among responsibility, childbearing cognition, and contribution-based decision-making performance of couples ($P<0.01$). Furthermore, model fit indices including $\chi^2/df=2.41$, CFI=0.95, and RMSEA=0.058 demonstrated an acceptable fit for the proposed model. Path analysis results revealed that responsibility had a significant direct effect on contribution-based decision-making performance ($\beta=0.49$) and childbearing cognition ($\beta=0.54$). In addition, childbearing cognition had a significant direct effect on contribution-based decision-making performance ($\beta=0.36$). Moreover, childbearing cognition played a significant mediating role in the relationship between responsibility and contribution-based decision-making. The findings suggest that responsibility and childbearing cognition play important roles in explaining couples' contribution-oriented participation in family decision-making. The contribution-oriented approach may provide an appropriate framework for enhancing marital interaction and promoting positive attitudes toward childbearing. Therefore, greater attention to psychological and relational dimensions of family functioning appears necessary in counseling programs and fertility-related policymaking.

Keywords: *Responsibility, Childbearing Cognition, Contribution-Oriented Approach, Couple Decision-Making, Childless Couples, Structural Equation Modeling*



Moslem Nouri[1], Masoumeh Esmaili[2]*, Omid Moradi[3]

1. Department Of Counseling, Sa.C., Islamic Azad University, Sanandaj, Iran.
2. Department of Counseling, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.
3. Associate Professor, Department of Family and Counseling, Sa.C., Islamic Azad University, Sanandaj, Iran.

*Corresponding Author's Email: m.esmaeili@atu.ac.ir

How to cite: Nouri, M., Esmaili, M., & Moradi, O. (2027). Validation of a Responsibility and Childbearing Cognition Model Based on the Contribution-Oriented Approach in the Decision-Making Performance of Childless Couples. *Health Psychology and Behavioral Disorders*, *5*(1), 1-15.

© 2027 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC4.0) License.

مقدمه

تحولات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی دهه‌های اخیر موجب تغییرات اساسی در نگرش افراد نسبت به ازدواج، خانواده و فرزندآوری شده است. یکی از مهم‌ترین پیامدهای این تحولات، کاهش تمایل به فرزندآوری و افزایش گرایش به بی‌فرزندی یا تک‌فرزندی ارادی در بسیاری از جوامع است. این پدیده نه‌تنها در کشورهای توسعه‌یافته بلکه در جوامع در حال توسعه نیز به یک مسئله اجتماعی و جمعیتی مهم تبدیل شده است (Sharif-Nia et al., 2024; Xiong et al., 2022). در ایران نیز طی سال‌های اخیر نرخ باروری کاهش قابل توجهی داشته و نگرش زوجین نسبت به فرزندآوری تحت تأثیر عوامل متعددی از جمله نگرانی‌های اقتصادی، مسئولیت‌های والدینی، تغییر ارزش‌های فرهنگی، اشتغال زنان، افزایش فردگرایی و تحولات سبک زندگی قرار گرفته است (Ghaffari Sardasht & Mottaqi, 2020; Rashidi-Al-Hashem, 2023). این تغییرات سبب شده است که بررسی ابعاد روان‌شناختی، اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر تصمیم‌گیری زوجین درباره فرزندآوری اهمیت روزافزونی پیدا کند.

فرزندآوری صرفاً یک رفتار زیستی یا جمعیتی نیست، بلکه فرآیندی پیچیده و چندبعدی است که با نگرش‌ها، باورها، احساس مسئولیت، کیفیت روابط خانوادگی و ادراک افراد از آینده پیوند دارد (Li, 2025; Rouhani et al., 2025). در بسیاری از پژوهش‌ها نشان داده شده است که تصمیم به داشتن فرزند متأثر از درک افراد از مسئولیت‌های والدینی و میزان آمادگی روانی و اجتماعی آنان برای پذیرش نقش پدر یا مادر است (AlAteeq et al., 2025; Enjazab et al., 2023). امروزه بسیاری از زوجین فرزندآوری را نه‌تنها یک انتخاب شخصی بلکه مسئولیتی سنگین و همراه با هزینه‌های عاطفی، اقتصادی و اجتماعی تلقی می‌کنند. مطالعه روحانی و همکاران نشان داد که نگرانی درباره مسئولیت‌های ناشی از تربیت فرزند، یکی از مهم‌ترین عوامل بازدارنده فرزندآوری در میان زوجین جوان است و افراد تلاش می‌کنند پیش از پذیرش نقش والدینی، شرایط روانی، اقتصادی و ارتباطی خود را ارزیابی کنند (Rouhani et al., 2025). از این رو، مفهوم مسئولیت در زمینه فرزندآوری به یکی از سازه‌های کلیدی در تحلیل رفتارهای باروری تبدیل شده است.

مسئولیت‌پذیری به عنوان یکی از ابعاد مهم شخصیت و رفتار اجتماعی، نقش تعیین‌کننده‌ای در تصمیم‌گیری‌های فردی و خانوادگی دارد. افراد مسئولیت‌پذیر معمولاً در مواجهه با مسائل زندگی، رویکردی متعهدانه، آینده‌نگر و مشارکتی اتخاذ می‌کنند و نسبت به پیامدهای تصمیمات خود آگاهی بیشتری دارند (Jia & Yue, 2025; Molaei Mahneh et al., 2025). پژوهش‌ها نشان داده‌اند که احساس مسئولیت می‌تواند رفتارهای اجتماعی مثبت، همکاری خانوادگی و تعهد زناشویی را تقویت کند (Nijs et al., 2024). همچنین در خانواده‌هایی که مسئولیت‌پذیری و مشارکت متقابل میان زوجین بیشتر است، تعاملات عاطفی سالم‌تر و تصمیم‌گیری‌های مشترک مؤثرتری مشاهده می‌شود (Khalati et al., 2023). بنابراین، مسئولیت‌پذیری می‌تواند به عنوان عاملی اثرگذار در نگرش افراد نسبت به فرزندآوری و آمادگی آنان برای پذیرش نقش والدینی در نظر گرفته شود.

در کنار مسئولیت‌پذیری، نگرش و اندیشه افراد نسبت به فرزندآوری نیز اهمیت فراوانی دارد. اندیشه فرزندآوری مجموعه‌ای از باورها، ارزیابی‌ها و نگرش‌های شناختی و عاطفی افراد نسبت به داشتن فرزند، نقش والدگری و آینده خانواده را دربرمی‌گیرد (Hosseini et al., 2023). پژوهش‌ها نشان داده‌اند که نگرش مثبت نسبت به فرزندآوری با احساس رضایت از زندگی، امید به آینده، کیفیت روابط زناشویی و حمایت اجتماعی ارتباط دارد (Li, 2025). در مقابل، نگرش منفی نسبت به فرزندآوری معمولاً با اضطراب، نگرانی‌های اقتصادی، احساس ناتوانی در ایفای نقش والدینی و تعارضات زناشویی همراه است (Enjazab et al., 2023; Movahedmajd et al., 2024). در این میان، تجربه‌های کودکی و میزان مسئولیت‌هایی که افراد در خانواده مبدأ تجربه کرده‌اند نیز می‌تواند بر نگرش آنان نسبت به والدگری اثرگذار باشد. هوسفسکا و مینارسکا نشان دادند افرادی که در کودکی تجربه مسئولیت‌های مراقبتی شدید داشته‌اند، در بزرگسالی نگرش متفاوتی نسبت به فرزندآوری و والدگری پیدا می‌کنند (Huczewska & Mynarska, 2025).

از سوی دیگر، در سال‌های اخیر رویکردهای نوینی برای تبیین روابط خانوادگی و تصمیم‌گیری زوجین مطرح شده است که یکی از مهم‌ترین آن‌ها رویکرد سهم‌گذاری است. این رویکرد بر مشارکت متقابل، احساس تعلق، همکاری و تقسیم مسئولیت‌ها میان اعضای خانواده تأکید دارد و معتقد است که روابط سالم خانوادگی زمانی شکل می‌گیرد که افراد خود را در تصمیمات و پیامدهای زندگی مشترک سهیم بدانند (Esmaili, 2014). بر اساس این دیدگاه، خانواده یک نظام تعاملی است که در آن هر عضو در شکل‌گیری تصمیمات، حل تعارضات و مدیریت مسائل خانوادگی نقش فعال دارد. سهم‌گذاری نه‌تنها موجب افزایش احساس تعلق و همدلی می‌شود، بلکه احساس مسئولیت و تعهد افراد نسبت به خانواده را نیز تقویت می‌کند (Motahari Nasab et al., 2024).

مطالعات انجام‌شده درباره رویکرد سهم‌گذاری نشان داده‌اند که این رویکرد می‌تواند در بهبود روابط خانوادگی، افزایش رضایت زناشویی و ارتقای تعاملات والد-فرزند نقش مؤثری ایفا کند (Asali Talkouei et al., 2022; Dehdast et al., 2023). اسماعیلی با ارائه مدل خانواده‌درمانی سهم‌گذاری نشان داد که بسیاری از تعارضات خانوادگی ناشی از فقدان احساس مشارکت و مسئولیت مشترک در میان اعضای خانواده است و زمانی که افراد خود را در فرآیندهای تصمیم‌گیری و حل مسائل سهیم بدانند، کیفیت روابط خانوادگی بهبود پیدا می‌کند (Esmaili, 2014). همچنین مطالعات بعدی در حوزه سبک زندگی سهم‌گذارانه نشان دادند که این رویکرد می‌تواند مسئولیت‌پذیری، تعامل سازنده و مشارکت اجتماعی افراد را افزایش دهد (Esmaili et al., 2023). در همین راستا، مطهری‌نسب و همکاران نیز در طراحی مدل مشاوره مدیریت تعارضات زناشویی مبتنی بر سهم‌گذاری تأکید کردند که مشارکت زوجین در تصمیمات خانوادگی موجب کاهش تعارض و افزایش همدلی می‌شود (Motahari Nasab et al., 2024).

رویکرد سهم‌گذاری علاوه بر حوزه روابط زناشویی، در زمینه تربیت فرزند و سبک زندگی خانوادگی نیز مورد توجه قرار گرفته است. امان‌اللهی و همکاران نشان دادند که آموزش مبتنی بر رویکرد سهم‌گذاری می‌تواند سبک زندگی نوجوانان را در ابعاد مختلف ارتقا دهد و احساس مسئولیت اجتماعی و فردی را افزایش دهد (Amanollahi et al., 2025). همچنین پژوهش اسدی‌طلقویی و همکاران درباره تعامل والد-فرزند نشان داد که مشارکت و سهم‌گذاری میان اعضای خانواده موجب افزایش کیفیت روابط عاطفی و ارتقای عملکرد تربیتی می‌شود (Asali Talkouei et al., 2022). این یافته‌ها نشان می‌دهد که رویکرد سهم‌گذاری می‌تواند چارچوبی مناسب برای تحلیل نگرش زوجین نسبت به فرزندآوری و مسئولیت‌های والدینی فراهم کند.

از منظر جامعه‌شناختی نیز نگرش به فرزندآوری تحت تأثیر ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی قرار دارد. بسیاری از زنان و مردان امروزی تلاش می‌کنند میان اهداف فردی، شغلی و خانوادگی تعادل برقرار کنند و همین مسئله بر تصمیم آنان درباره داشتن فرزند اثر می‌گذارد (Movahedmajd et al., 2024). مطالعات انجام‌شده در ایران نشان داده‌اند که نگرانی درباره آینده اقتصادی، دشواری تربیت فرزند، کاهش حمایت اجتماعی و تغییر الگوهای ارزشی از عوامل مؤثر بر کاهش تمایل به فرزندآوری هستند (Ghaffari Sardasht & Mottaqi, 2020; Rashidi-Al-Hashem, 2023). همچنین تجربه بی‌فرزندی ناخواسته می‌تواند بر ثبات زناشویی، سلامت روان و کیفیت زندگی زوجین تأثیر منفی بگذارد (Muthini, 2022). از این رو، بررسی نگرش و مسئولیت‌پذیری زوج‌های بدون فرزند می‌تواند درک عمیق‌تری از عوامل مؤثر بر تصمیمات باروری فراهم کند.

پژوهش‌های اخیر تلاش کرده‌اند ابزارها و مدل‌هایی برای سنجش نگرش به فرزندآوری و گرایش به بی‌فرزندی طراحی کنند (Sharif-Nia et al., 2024). این مطالعات نشان داده‌اند که تصمیم‌گیری درباره فرزندآوری تحت تأثیر شبکه‌ای از عوامل روان‌شناختی، اجتماعی و فرهنگی قرار دارد و نمی‌توان آن را صرفاً به عوامل اقتصادی محدود کرد. در همین راستا، مدل‌های مبتنی بر تجربه زیسته خانواده‌ها نیز نشان داده‌اند که کیفیت روابط زناشویی، احساس مسئولیت مشترک و نگرش به نقش والدینی از مهم‌ترین پیش‌بین‌های تمایل به فرزندآوری هستند (Hosseini et al., 2023). با این حال، علی‌رغم اهمیت این موضوع، هنوز پژوهش‌های محدودی به بررسی همزمان مسئولیت‌پذیری، اندیشه فرزندآوری و رویکرد سهم‌گذاری در زوج‌های بدون فرزند پرداخته‌اند.

از سوی دیگر، بسیاری از مطالعات پیشین صرفاً بر عوامل اقتصادی یا جمعیت‌شناختی تمرکز داشته‌اند و کمتر به نقش ساختارهای ارتباطی و روان‌شناختی در تصمیم‌گیری زوجین توجه کرده‌اند (Xiong et al., 2022). در حالی که تصمیم به فرزندآوری در بستر روابط خانوادگی و تعاملات زوجین شکل می‌گیرد و میزان مشارکت و احساس تعلق افراد در زندگی مشترک می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در این زمینه داشته باشد. بنابراین، طراحی و اعتباریابی الگویی که بتواند روابط میان مسئولیت‌پذیری، اندیشه فرزندآوری و سهم‌گذاری در تصمیم‌گیری عملکرد زوجین را تبیین کند، می‌تواند خلأ موجود در ادبیات پژوهش را تا حدی جبران نماید.

بر این اساس، پژوهش حاضر با هدف اعتباریابی الگوی مسئولیت و اندیشه فرزندآوری مبتنی بر رویکرد سهم‌گذاری در تصمیم‌گیری عملکرد زوج‌های بدون فرزند انجام شد.

روش‌شناسی

پژوهش حاضر از نوع مطالعات توصیفی-همبستگی و مبتنی بر مدل‌یابی معادلات ساختاری بود که با هدف اعتباریابی الگوی مسئولیت و اندیشه فرزندآوری مبتنی بر رویکرد سهم‌گذاری در تصمیم‌گیری عملکرد زوج‌های بدون فرزند انجام شد. جامعه آماری پژوهش شامل تمامی زوج‌های بدون فرزند ساکن شهر تهران در سال ۲۰۲۶ بود که حداقل دو سال از زندگی مشترک آنان گذشته بود و تاکنون تجربه فرزندآوری نداشتند. با توجه به ماهیت مدل‌یابی معادلات ساختاری و ضرورت برخورداری از حجم نمونه مناسب برای برازش مدل، تعداد ۴۲۰ نفر (۲۱۰ زوج) به عنوان نمونه پژوهش انتخاب شدند. روش نمونه‌گیری به صورت هدفمند و در دسترس انجام شد و نمونه‌ها از میان مراجعه‌کنندگان به مراکز مشاوره خانواده، کلینیک‌های روان‌شناسی، مراکز خدمات سلامت خانواده و همچنین گروه‌ها و انجمن‌های مجازی مرتبط با زوجین بدون فرزند در مناطق مختلف تهران انتخاب شدند. ملاک‌های ورود به پژوهش شامل رضایت آگاهانه برای شرکت در مطالعه، حداقل مدرک تحصیلی دیپلم، گذشت حداقل دو سال از ازدواج و نداشتن فرزند بود. همچنین افرادی که سابقه اختلالات شدید روان‌پزشکی، مصرف داروهای روان‌گردان یا تجربه بحران‌های شدید خانوادگی در شش ماه گذشته داشتند از مطالعه کنار گذاشته شدند. پس از توضیح اهداف پژوهش و اطمینان‌بخشی در خصوص محرمانه ماندن اطلاعات، پرسشنامه‌ها به صورت حضوری و آنلاین در اختیار شرکت‌کنندگان قرار گرفت و تکمیل آن‌ها به طور میانگین حدود ۳۰ تا ۴۰ دقیقه زمان برد.

برای گردآوری داده‌ها از مجموعه‌ای از ابزارهای استاندارد استفاده شد. جهت سنجش مسئولیت‌پذیری زوجین از خرده‌مقیاس مسئولیت‌پذیری پرسشنامه ویژگی‌های شخصیتی نئو فرم کوتاه استفاده شد که توسط Costa و McCrae طراحی شده است. این مقیاس دارای گویه‌هایی در طیف لیکرت پنج‌درجه‌ای از کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم است و میزان تعهد، نظم، وظیفه‌شناسی و احساس مسئولیت فردی و خانوادگی را ارزیابی می‌کند. نمرات بالاتر در این ابزار نشان‌دهنده سطح بالاتر مسئولیت‌پذیری است. مطالعات مختلف روایی سازه و پایایی مطلوب این مقیاس را تأیید کرده‌اند و ضریب آلفای کرونباخ آن در پژوهش‌های داخلی و خارجی بالاتر از ۰,۷۰ گزارش شده است. برای سنجش اندیشه فرزندآوری از پرسشنامه نگرش به فرزندآوری استفاده شد که ابعاد شناختی، عاطفی و رفتاری نگرش افراد نسبت به داشتن فرزند را بررسی می‌کند. این ابزار شامل گویه‌هایی درباره نگرش مثبت یا منفی نسبت به والدگری، آمادگی روانی برای فرزندآوری، ادراک مسئولیت‌های والدینی و تمایل به تجربه نقش پدر یا مادر است و بر اساس طیف لیکرت پنج‌درجه‌ای نمره‌گذاری می‌شود. روایی محتوایی و همگرای این ابزار در مطالعات پیشین مورد تأیید قرار گرفته و پایایی آن نیز با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ مطلوب گزارش شده است. همچنین برای ارزیابی سهم‌گذاری در تصمیم‌گیری عملکرد زوجین از پرسشنامه تصمیم‌گیری مشترک زوجین استفاده شد که میزان مشارکت زن و شوهر در تصمیمات اساسی زندگی، همکاری در حل مسائل خانوادگی، توافق در تصمیمات مرتبط با آینده خانواده و تعامل در برنامه‌ریزی فرزندآوری را اندازه‌گیری می‌کند. این پرسشنامه دارای چندین خرده‌مقیاس شامل مشارکت شناختی، تعامل عاطفی و همکاری رفتاری در تصمیم‌گیری است

و پاسخ‌ها در طیف لیکرت پنج‌درجه‌ای تنظیم شده‌اند. بررسی‌های انجام‌شده در پژوهش‌های پیشین نشان داده‌اند که این ابزار از روایی و پایایی مناسبی برخوردار است.

به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها، ابتدا داده‌ها وارد نرم‌افزار SPSS-27 شدند و شاخص‌های توصیفی شامل میانگین، انحراف معیار، چولگی و کشیدگی برای متغیرهای پژوهش محاسبه شد. همچنین پیش‌فرض‌های آماری شامل نرمال بودن توزیع داده‌ها، همخطی چندگانه و داده‌های پرت مورد بررسی قرار گرفت. سپس به منظور بررسی روابط بین متغیرها از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. در ادامه، جهت اعتباریابی الگوی پیشنهادی و بررسی روابط مستقیم و غیرمستقیم بین مسئولیت‌پذیری، اندیشه فرزندآوری و سهم‌گذاری در تصمیم‌گیری عملکرد زوج‌های بدون فرزند، از مدل‌یابی معادلات ساختاری با استفاده از نرم‌افزار AMOS-26 و روش برآورد حداکثر درست‌نمایی استفاده شد. برای ارزیابی برازش مدل از شاخص‌هایی نظیر نسبت کای‌دو به درجه آزادی، شاخص برازش تطبیقی، شاخص نیکویی برازش، شاخص نیکویی برازش تعدیل‌شده و ریشه میانگین مجذورات خطای تقریب استفاده شد. سطح معناداری آزمون‌ها نیز ۰,۰۵ در نظر گرفته شد.

یافته‌ها

در این پژوهش، داده‌های مربوط به ۴۲۰ نفر از زوج‌های بدون فرزند شهر تهران مورد تحلیل قرار گرفت. میانگین سنی شرکت‌کنندگان ۳۴,۷۲ سال با انحراف معیار ۶,۱۸ بود. از میان شرکت‌کنندگان، ۵۲,۱ درصد زن و ۴۷,۹ درصد مرد بودند. همچنین ۳۸,۶ درصد دارای تحصیلات کارشناسی، ۴۱,۹ درصد کارشناسی ارشد و ۱۹,۵ درصد دارای مدرک دکتری یا بالاتر بودند. میانگین مدت زمان زندگی مشترک زوجین ۷,۴۳ سال با انحراف معیار ۳,۲۷ گزارش شد. از نظر وضعیت اقتصادی، ۲۹,۸ درصد وضعیت اقتصادی ضعیف، ۵۱,۴ درصد متوسط و ۱۸,۸ درصد وضعیت اقتصادی مطلوب را گزارش کردند. همچنین ۶۳,۳ درصد از زوجین شاغل دو نفره و ۳۶,۷ درصد دارای تنها یک فرد شاغل در خانواده بودند. بررسی اولیه داده‌ها نشان داد که مقادیر چولگی و کشیدگی متغیرها در دامنه قابل قبول ۲± قرار داشت و بنابراین توزیع داده‌ها نرمال ارزیابی شد. علاوه بر این، شاخص دوربین-واتسون برابر با ۲,۰۱ به دست آمد که بیانگر استقلال خطاها بود و نتایج آزمون‌های اولیه امکان استفاده از تحلیل‌های همبستگی و مدل‌یابی معادلات ساختاری را تأیید کرد.

جدول ۱. شاخص‌های توصیفی و ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش

متغیرها	میانگین	انحراف معیار	۱	۲	۳
۱. مسئولیت‌پذیری	۴۱.۸۳	۷.۲۴	۱		
۲. اندیشه فرزندآوری	۳۷.۵۶	۶.۹۱	۰.۶۱**	۱	
۳. سهم‌گذاری در تصمیم‌گیری عملکرد زوجین	۴۴.۲۹	۸.۱۳	۰.۶۷**	۰.۵۹**	۱

P < ۰.۰۱

نتایج جدول ۱ نشان داد که میانگین متغیر سهم‌گذاری در تصمیم‌گیری عملکرد زوجین بالاتر از سایر متغیرها بود و پس از آن مسئولیت‌پذیری و اندیشه فرزندآوری قرار داشتند. همچنین ضرایب همبستگی پیرسون نشان داد که بین تمامی متغیرهای پژوهش رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. بیشترین میزان همبستگی بین مسئولیت‌پذیری و سهم‌گذاری در تصمیم‌گیری عملکرد زوجین مشاهده شد (۰,۶۷)، که نشان می‌دهد با افزایش احساس مسئولیت در زوجین، میزان مشارکت و سهم‌گذاری آنان در تصمیم‌گیری‌های مرتبط با خانواده و فرزندآوری نیز افزایش می‌یابد. همچنین رابطه مثبت و معنادار بین اندیشه فرزندآوری و سهم‌گذاری در تصمیم‌گیری عملکرد زوجین نشان‌دهنده آن است که نگرش مثبت‌تر نسبت به فرزندآوری با تعامل و همکاری بیشتر زوجین در تصمیمات خانوادگی همراه است. در مجموع، یافته‌های همبستگی اولیه از وجود روابط معنادار میان سازه‌های اصلی پژوهش حمایت کردند و زمینه لازم برای آزمون مدل ساختاری را فراهم ساختند.

جدول ۲. شاخص‌های برازش مدل مسئولیت و اندیشه فرزندآوری مبتنی بر رویکرد سهم‌گذاری

شاخص برازش	مقدار به‌دست‌آمده	مقدار مطلوب
χ^2/df	۲.۴۱	کمتر از ۳
GFI	۰.۹۳	بیشتر از ۰,۹۰
AGFI	۰.۹۱	بیشتر از ۰,۹۰
CFI	۰.۹۵	بیشتر از ۰,۹۰
NFI	۰.۹۴	بیشتر از ۰,۹۰
I FI	۰.۹۵	بیشتر از ۰,۹۰
RMSEA	۰.۰۵۸	کمتر از ۰,۰۸

بر اساس نتایج جدول ۲، شاخص‌های برازش مدل نشان دادند که مدل پیشنهادی پژوهش از برازش مطلوبی با داده‌های گردآوری‌شده برخوردار است. نسبت کای‌دو به درجه آزادی برابر با ۲,۴۱ بود که کمتر از مقدار بحرانی ۳ بوده و بیانگر مناسب بودن مدل است. همچنین مقادیر شاخص‌های برازش تطبیقی، نیکویی برازش و برازش فزاینده همگی بیشتر از ۰,۹۰ به دست آمدند که نشان‌دهنده انطباق مطلوب مدل نظری با داده‌های تجربی است. مقدار **RMSEA** نیز برابر با ۰,۰۵۸ بود که کمتر از ۰,۰۸ بوده و بیانگر خطای تقریب پایین مدل است. در مجموع، نتایج شاخص‌های برازش تأیید کردند که الگوی مسئولیت و اندیشه فرزندآوری مبتنی بر رویکرد سهم‌گذاری در تصمیم‌گیری عملکرد زوج‌های بدون فرزند از ساختار مناسب و اعتبار تجربی مطلوب برخوردار است.

جدول ۳. ضرایب مسیر مستقیم در مدل ساختاری پژوهش

مسیر	ضریب استانداردβ	خطای استاندارد	مقدار t	سطح معناداری
مسئولیت‌پذیری ← سهم‌گذاری در تصمیم‌گیری	۰.۴۹	۰.۰۶	۷.۹۲	۰.۰۰۱
اندیشه فرزندآوری ← سهم‌گذاری در تصمیم‌گیری	۰.۳۶	۰.۰۵	۶.۱۸	۰.۰۰۱
مسئولیت‌پذیری ← اندیشه فرزندآوری	۰.۵۴	۰.۰۷	۸.۳۴	۰.۰۰۱

نتایج جدول ۳ نشان داد که تمامی مسیرهای مستقیم در مدل پژوهش مثبت و معنادار بودند. بر این اساس، مسئولیت‌پذیری تأثیر مستقیم و معناداری بر سهم‌گذاری در تصمیم‌گیری عملکرد زوجین داشت و توانست حدود قابل توجهی از واریانس این متغیر را تبیین کند. این یافته نشان می‌دهد زوجینی که از سطح بالاتری از مسئولیت‌پذیری برخوردار هستند، در تصمیمات مرتبط با زندگی مشترک و فرزندآوری تعامل و مشارکت بیشتری از خود نشان می‌دهند. همچنین اندیشه فرزندآوری نیز تأثیر مستقیم و معناداری بر سهم‌گذاری در تصمیم‌گیری داشت که بیانگر نقش نگرش‌های شناختی و نگرش مثبت نسبت به فرزندآوری در افزایش تعامل زوجین است. علاوه بر این، مسئولیت‌پذیری اثر مثبت و معناداری بر اندیشه فرزندآوری داشت که نشان می‌دهد افراد مسئولیت‌پذیرتر نگرش مثبت‌تر و آمادگی شناختی بیشتری نسبت به فرزندآوری دارند. به طور کلی، یافته‌ها از نقش محوری مسئولیت‌پذیری در تبیین نگرش به فرزندآوری و تعامل زوجین در تصمیم‌گیری حمایت کردند.

جدول ۴. اثرات مستقیم، غیرمستقیم و کل متغیرهای پژوهش

متغیر پیش‌بین	متغیر ملاک	اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	اثر کل
مسئولیت‌پذیری	سهم‌گذاری در تصمیم‌گیری	۰.۴۹	۰.۱۹	۰.۶۸
مسئولیت‌پذیری	اندیشه فرزندآوری	۰.۵۴	-	۰.۵۴
اندیشه فرزندآوری	سهم‌گذاری در تصمیم‌گیری	۰.۳۶	-	۰.۳۶

نتایج جدول ۴ نشان داد که مسئولیت‌پذیری علاوه بر اثر مستقیم، از طریق اندیشه فرزندآوری نیز دارای اثر غیرمستقیم و معنادار بر سهم‌گذاری در تصمیم‌گیری عملکرد زوجین است. میزان اثر کل مسئولیت‌پذیری بر سهم‌گذاری در تصمیم‌گیری برابر با ۰,۶۸ به دست آمد که نشان‌دهنده

قدرت بالای این متغیر در پیش‌بینی تعامل و مشارکت زوجین در تصمیمات خانوادگی است. همچنین یافته‌ها نشان دادند که اندیشه فرزندآوری به عنوان یک متغیر میانجی می‌تواند بخشی از رابطه میان مسئولیت‌پذیری و سهم‌گذاری در تصمیم‌گیری را تبیین کند. به عبارت دیگر، زوجینی که احساس مسئولیت بیشتری دارند، نگرش مثبت‌تر و آمادگی بیشتری نسبت به فرزندآوری پیدا می‌کنند و این امر در نهایت موجب افزایش مشارکت آنان در تصمیمات مشترک زندگی می‌شود. در مجموع، نتایج تحلیل اثرات مستقیم و غیرمستقیم نشان داد که مدل پژوهش از قدرت تبیین مناسبی برخوردار بوده و روابط میان سازه‌های مورد مطالعه از نظر آماری معنادار و قابل تفسیر هستند.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف اعتباریابی الگوی مسئولیت و اندیشه فرزندآوری مبتنی بر رویکرد سهم‌گذاری در تصمیم‌گیری عملکرد زوج‌های بدون فرزند انجام شد. نتایج نشان داد که مدل پیشنهادی از برازش مطلوبی برخوردار است و روابط میان مسئولیت‌پذیری، اندیشه فرزندآوری و سهم‌گذاری در تصمیم‌گیری عملکرد زوجین معنادار و قابل تبیین هستند. همچنین یافته‌ها نشان دادند که مسئولیت‌پذیری به صورت مستقیم و غیرمستقیم از طریق اندیشه فرزندآوری بر سهم‌گذاری در تصمیم‌گیری عملکرد زوجین تأثیر دارد. این نتایج بیانگر آن است که نگرش زوجین نسبت به فرزندآوری در بستر تعاملات خانوادگی، احساس تعهد و مشارکت متقابل شکل می‌گیرد و نمی‌توان آن را صرفاً نتیجه عوامل اقتصادی یا اجتماعی دانست.

یکی از مهم‌ترین یافته‌های پژوهش حاضر، وجود رابطه مثبت و معنادار میان مسئولیت‌پذیری و سهم‌گذاری در تصمیم‌گیری عملکرد زوجین بود. این یافته نشان می‌دهد زوجینی که احساس مسئولیت بیشتری نسبت به زندگی مشترک، آینده خانواده و نقش‌های زناشویی دارند، مشارکت فعال‌تری در تصمیمات خانوادگی و مسائل مرتبط با فرزندآوری از خود نشان می‌دهند. این نتیجه با یافته‌های نایس و همکاران همسو است که نشان دادند احساس مالکیت روان‌شناختی و مسئولیت اجتماعی، رفتارهای مشارکتی و مراقبتی را تقویت می‌کند (Nijs et al., 2024). همچنین مطالعه جیا و یوئه نشان داد که احساس مسئولیت می‌تواند رفتارهای اجتماعی مثبت و تعاملات سازنده را افزایش دهد (Jia & Yue, 2025). از منظر نظری نیز می‌توان بیان کرد که مسئولیت‌پذیری موجب می‌شود افراد نسبت به پیامدهای تصمیمات خانوادگی حساس‌تر باشند و در نتیجه تمایل بیشتری برای مشارکت در فرآیند تصمیم‌گیری و حل مسائل مشترک داشته باشند.

نتایج پژوهش همچنین نشان داد که مسئولیت‌پذیری تأثیر مثبت و معناداری بر اندیشه فرزندآوری دارد. این یافته بیانگر آن است که افراد مسئولیت‌پذیرتر نگرش مثبت‌تر و آمادگی شناختی و روانی بیشتری نسبت به پذیرش نقش والدینی دارند. این نتیجه با پژوهش روحانی و همکاران همسو است که نشان داد نگرانی‌های مرتبط با مسئولیت والدگری نقش مهمی در تصمیم‌گیری زوجین درباره فرزندآوری دارد (Rouhani et al., 2025). در واقع، زمانی که افراد احساس کنند توانایی مدیریت مسئولیت‌های ناشی از تربیت فرزند را دارند، نگرش آنان نسبت به فرزندآوری مثبت‌تر خواهد شد. همچنین یافته حاضر با مطالعه ملایی‌مهنه و همکاران همخوانی دارد که نشان دادند مسئولیت‌پذیری با هدفمندی و نگرش سازنده نسبت به آینده ارتباط مستقیم دارد (Molaei Mahneh et al., 2025). از این منظر، فرزندآوری برای افراد مسئولیت‌پذیر نه یک تهدید بلکه بخشی از فرآیند رشد، معناجویی و تداوم زندگی خانوادگی تلقی می‌شود.

از دیگر یافته‌های مهم پژوهش، تأثیر مستقیم اندیشه فرزندآوری بر سهم‌گذاری در تصمیم‌گیری عملکرد زوجین بود. این نتیجه نشان می‌دهد زوجینی که نگرش مثبت‌تری نسبت به فرزندآوری دارند، در زمینه تصمیمات مرتبط با آینده خانواده، برنامه‌ریزی زندگی و تعاملات زناشویی مشارکت بیشتری نشان می‌دهند. این یافته با مطالعات حسینی و همکاران هماهنگ است که تأکید کردند نگرش مثبت نسبت به فرزندآوری با کیفیت روابط خانوادگی و احساس تعلق بیشتر در خانواده همراه است (Hosseini et al., 2023). همچنین مطالعه لی نشان داد که نگرش مثبت نسبت به آینده و احساس رضایت از زندگی با افزایش تمایل به فرزندآوری ارتباط دارد (Li, 2025). به نظر می‌رسد زمانی که زوجین

فرزندآوری را فرصتی برای تکامل عاطفی و گسترش روابط خانوادگی تلقی می‌کنند، مشارکت و تعامل بیشتری در تصمیمات خانوادگی خواهند داشت.

یافته‌های پژوهش حاضر همچنین نقش میانجی اندیشه فرزندآوری در رابطه میان مسئولیت‌پذیری و سهم‌گذاری در تصمیم‌گیری را تأیید کرد. این نتیجه نشان می‌دهد که مسئولیت‌پذیری از طریق شکل‌دهی نگرش مثبت نسبت به فرزندآوری می‌تواند مشارکت زوجین در تصمیمات خانوادگی را افزایش دهد. به عبارت دیگر، زوجینی که احساس مسئولیت بیشتری دارند، نسبت به فرزندآوری نگرش مثبت‌تری پیدا می‌کنند و همین نگرش مثبت موجب افزایش همکاری، تعامل و سهم‌گذاری آنان در تصمیمات مشترک می‌شود. این یافته با دیدگاه رویکرد سهم‌گذاری همخوانی دارد که بر تعامل، مشارکت و مسئولیت متقابل اعضای خانواده تأکید می‌کند (Esmaili, 2014). بر اساس این دیدگاه، خانواده زمانی کارکرد مطلوب دارد که اعضا خود را در فرآیندهای تصمیم‌گیری، حل تعارض و مدیریت زندگی سهیم بدانند.

یافته‌های پژوهش حاضر از منظر رویکرد سهم‌گذاری نیز قابل تبیین است. در این رویکرد، احساس تعلق و مشارکت متقابل اساس روابط خانوادگی سالم را شکل می‌دهد و افراد زمانی به تصمیمات خانوادگی متعهد می‌شوند که خود را در آن تصمیمات سهیم بدانند (Esmaili et al., 2023). بنابراین، زوجینی که در تعاملات روزمره خود مسئولیت‌ها را به صورت مشترک مدیریت می‌کنند، آمادگی بیشتری برای پذیرش مسئولیت فرزندآوری خواهند داشت. این موضوع با یافته‌های مطهری‌نسب و همکاران نیز همسو است که نشان دادند رویکرد سهم‌گذاری موجب کاهش تعارضات زناشویی و افزایش همدلی میان زوجین می‌شود (Motahari Nasab et al., 2024). همچنین مطالعه دهدست و همکاران نشان داد که مداخلات مبتنی بر سهم‌گذاری می‌توانند رضایت زناشویی و تعامل سازنده میان زوجین را ارتقا دهند (Dehdast et al., 2023).

از سوی دیگر، یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که نگرش به فرزندآوری تنها تحت تأثیر عوامل اقتصادی نیست، بلکه ابعاد روان‌شناختی و ارتباطی نیز نقش مهمی در این زمینه ایفا می‌کنند. این نتیجه با مطالعات انجام‌شده درباره عوامل مؤثر بر تمایل به فرزندآوری هماهنگ است (Enjazab et al., 2023; Rashidi-Al-Hashem, 2023). بسیاری از زوجین در شرایط کنونی جامعه، فرزندآوری را با نگرانی‌هایی درباره آینده، کیفیت تربیت فرزند و مسئولیت‌های والدگری همراه می‌دانند. در این میان، زمانی که احساس مسئولیت و حمایت متقابل میان زوجین وجود داشته باشد، نگرانی‌ها کاهش یافته و نگرش مثبت‌تری نسبت به فرزندآوری شکل می‌گیرد.

نتایج پژوهش حاضر همچنین با مطالعات مرتبط با بی‌فرزندی و تک‌فرزندی ارادی همسو بود. شریف‌نیا و همکاران در طراحی ابزار سنجش گرایش به بی‌فرزندی نشان دادند که عوامل روان‌شناختی، نگرش‌های فرهنگی و کیفیت روابط خانوادگی در تصمیم افراد برای نداشتن فرزند نقش تعیین‌کننده دارند (Sharif-Nia et al., 2024). همچنین مطالعه موحدمجد و همکاران نشان داد که نگرش افراد نسبت به فرزندخواندگی و فرزندآوری تحت تأثیر عوامل اجتماعی و کیفیت روابط زناشویی قرار دارد (Movahedmajd et al., 2024). این یافته‌ها تأیید می‌کنند که تصمیمات باروری فراتر از ملاحظات اقتصادی بوده و به احساس امنیت روانی، کیفیت تعاملات خانوادگی و میزان مسئولیت‌پذیری زوجین وابسته است.

مطالعه حاضر همچنین با یافته‌های پژوهش‌های مرتبط با تعاملات خانوادگی و سبک زندگی سهم‌گذارانه هماهنگ بود. امان‌اللهی و همکاران نشان دادند که آموزش مبتنی بر رویکرد سهم‌گذاری موجب ارتقای مسئولیت‌پذیری و بهبود سبک زندگی می‌شود (Amanollahi et al., 2025). همچنین اسدی‌طلقویی و همکاران گزارش کردند که تعامل والد-فرزند مبتنی بر سهم‌گذاری می‌تواند روابط عاطفی و مشارکت خانوادگی را تقویت کند (Asali Talkouei et al., 2022). بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که سهم‌گذاری نه‌تنها در روابط زناشویی بلکه در نگرش افراد نسبت به فرزندآوری و ایفای نقش والدینی نیز نقش بنیادین دارد.

از منظر فرهنگی و اجتماعی نیز یافته‌های پژوهش حاضر اهمیت ویژه‌ای دارند. در شرایطی که بسیاری از زوجین به دلیل نگرانی‌های اقتصادی، اجتماعی و روانی نسبت به فرزندآوری تردید دارند، تقویت احساس مسئولیت مشترک و مشارکت زوجین می‌تواند نگرش آنان را نسبت به

تشکیل خانواده و فرزندآوری تغییر دهد. مطالعات اخیر نشان داده‌اند که کاهش حمایت اجتماعی و افزایش فردگرایی از جمله عوامل مؤثر بر کاهش تمایل به فرزندآوری هستند (Ghaffari Sardasht & Mottaqi, 2020; Xiong et al., 2022). در مقابل، زمانی که زوجین احساس کنند در مسئولیت‌ها و تصمیمات خانوادگی تنها نیستند و از حمایت عاطفی و مشارکت متقابل برخوردارند، احتمال پذیرش نقش والدینی افزایش پیدا می‌کند.

همچنین یافته‌های پژوهش حاضر با مطالعات مرتبط با تجربه زیسته زوج‌های بدون فرزند هماهنگ بود. موتینی نشان داد که بی‌فرزندی ناخواسته می‌تواند ثبات زناشویی و سلامت روان زوجین را تحت تأثیر قرار دهد (Muthini, 2022). در چنین شرایطی، وجود احساس مسئولیت مشترک و مشارکت متقابل می‌تواند نقش محافظتی در برابر تنش‌های روانی و تعارضات زناشویی ایفا کند. بنابراین، توجه به ابعاد ارتباطی و روان‌شناختی فرزندآوری می‌تواند به بهبود کیفیت روابط زوجین و ارتقای سلامت خانواده کمک کند.

در مجموع، نتایج پژوهش حاضر نشان داد که مسئولیت‌پذیری، اندیشه فرزندآوری و سهم‌گذاری در تصمیم‌گیری عملکرد زوجین به صورت متقابل با یکدیگر ارتباط دارند و می‌توانند چارچوب مناسبی برای تبیین نگرش زوج‌های بدون فرزند نسبت به فرزندآوری فراهم کنند. همچنین یافته‌ها تأیید کردند که رویکرد سهم‌گذاری می‌تواند به عنوان الگویی مؤثر در تحلیل و ارتقای روابط خانوادگی و تصمیمات باروری مورد استفاده قرار گیرد.

از جمله محدودیت‌های پژوهش حاضر می‌توان به استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس و محدود بودن جامعه آماری به زوج‌های بدون فرزند شهر تهران اشاره کرد که تعمیم نتایج را به سایر شهرها و گروه‌های فرهنگی با احتیاط همراه می‌سازد. همچنین داده‌ها بر اساس ابزارهای خودگزارشی جمع‌آوری شدند و احتمال سوگیری پاسخ‌دهی اجتماعی وجود داشت. علاوه بر این، ماهیت مقطعی پژوهش امکان بررسی تغییرات نگرش زوجین در طول زمان را فراهم نکرد.

پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آینده این مدل را در میان زوجین دارای فرزند، زوجین در آستانه ازدواج و همچنین گروه‌های فرهنگی و اجتماعی متفاوت مورد بررسی قرار دهند. همچنین انجام مطالعات طولی برای بررسی تغییرات نگرش به فرزندآوری در مراحل مختلف زندگی مشترک می‌تواند اطلاعات ارزشمندی فراهم کند. طراحی و ارزیابی مداخلات آموزشی و مشاوره‌ای مبتنی بر رویکرد سهم‌گذاری نیز می‌تواند مسیر جدیدی برای تحقیقات آینده باشد.

در حوزه کاربردی، نتایج پژوهش حاضر می‌تواند در طراحی برنامه‌های مشاوره خانواده، آموزش پیش از ازدواج و سیاست‌های حمایتی مرتبط با فرزندآوری مورد استفاده قرار گیرد. همچنین مشاوران و درمانگران خانواده می‌توانند با تأکید بر مسئولیت‌پذیری مشترک و مشارکت زوجین در تصمیمات خانوادگی، نگرش مثبت‌تری نسبت به فرزندآوری ایجاد کنند. تقویت مهارت‌های ارتباطی، افزایش حمایت عاطفی میان زوجین و آموزش الگوهای مشارکتی در خانواده نیز می‌تواند به ارتقای کیفیت روابط زناشویی و افزایش آمادگی روانی برای فرزندآوری کمک کند.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

موازین اخلاقی

در انجام این پژوهش تمامی موازین و اصول اخلاقی رعایت گردیده است.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافعی وجود ندارد.

تشکر و قدردانی

پژوهشگران از تمامی شرکت‌کنندگان که در اجرای پژوهش حاضر کمک نمودند نهایت قدردانی و سپاس را دارند.

شفافیت داده‌ها

داده ها و مآخذ پژوهش حاضر در صورت درخواست از نویسنده مسئول و ضمن رعایت اصول کپی رایت ارسال خواهد شد.

حامی مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

چکیده گسترده

EXTENDED ABSTRACT

Introduction

In recent decades, declining fertility rates and increasing tendencies toward voluntary childlessness have become significant demographic and psychosocial concerns in many societies. Decisions regarding childbearing are no longer viewed solely as biological or traditional family obligations; rather, they are increasingly shaped by psychological, cultural, economic, and relational factors (Sharif-Nia et al., 2024; Xiong et al., 2022). In Iran, social transformations, changing family structures, economic instability, and evolving personal values have considerably influenced couples' attitudes toward fertility and parenting (Ghaffari Sardasht & Mottaqi, 2020; Rashidi-Al-Hashem, 2023). Consequently, understanding the psychological and interpersonal determinants of childbearing decisions has become an important area of scientific inquiry.

Among the psychological variables associated with fertility intention, responsibility has attracted growing attention. Responsibility is considered a central dimension of personality and social functioning that affects individuals' decision-making patterns, commitment to family roles, and future-oriented behaviors (Jia & Yue, 2025; Molaei Mahneh et al., 2025). Individuals with higher levels of responsibility are generally more capable of managing interpersonal relationships, engaging in collaborative behaviors, and coping effectively with life challenges. Previous studies have shown that responsibility is associated with prosocial behavior, family commitment, and constructive participation in collective decision-making (Nijs et al., 2024). Therefore, responsibility may significantly shape individuals' readiness for parenthood and their perceptions of childbearing.

Research has also indicated that concerns regarding parental responsibilities are among the major factors influencing fertility decisions. Rouhani et al. reported that many young couples perceive childbearing as a demanding responsibility associated with emotional, financial, and social pressures (Rouhani et al., 2025). Similarly, AlAteeq et al. found that women's attitudes toward fertility are strongly associated with their perceptions of parenting responsibilities and family support systems (AlAteeq et al., 2025). These findings suggest that fertility intention is closely linked to individuals' cognitive interpretation of parenthood and their perceived capacity to fulfill parental roles.

Another important concept in the present study is childbearing cognition, which refers to the cognitive, emotional, and attitudinal framework through which individuals evaluate fertility, parenting, and family

continuation (Hosseini et al., 2023). Positive childbearing cognition is associated with hopefulness, marital satisfaction, emotional security, and future orientation, whereas negative childbearing cognition is often related to anxiety, uncertainty, and fear of parenting responsibilities (Enjazab et al., 2023; Li, 2025). Furthermore, childhood experiences and previous caregiving responsibilities may influence fertility desires in adulthood. Huczewska and Mynarska demonstrated that early caregiving experiences significantly shape later childbearing desires and perceptions of parenthood (Huczewska & Mynarska, 2025).

The present study was also grounded in the contribution-oriented approach, a family-centered theoretical framework emphasizing mutual participation, responsibility-sharing, empathy, and collaborative decision-making among family members. According to this approach, healthy family functioning emerges when individuals perceive themselves as active contributors to family processes and shared responsibilities (Esmaili, 2014). The contribution-oriented approach highlights that emotional belonging and shared participation strengthen family cohesion and improve interpersonal functioning. Previous studies have shown that this approach contributes to marital satisfaction, conflict management, and constructive family interaction (Dehdast et al., 2023; Motahari Nasab et al., 2024).

In addition, contribution-oriented patterns have been associated with improved parent-child relationships and healthier family lifestyles. Amanollahi et al. demonstrated that educational programs based on the contribution-oriented approach significantly enhanced adolescents' lifestyle and responsibility levels (Amanollahi et al., 2025). Likewise, Asali Talkouei et al. reported that contribution-based parent-child interaction models improved emotional communication and participatory behaviors within families (Asali Talkouei et al., 2022). These findings indicate that the contribution-oriented approach may provide a valuable framework for understanding couples' childbearing decisions and relational dynamics.

Despite the increasing number of studies on fertility attitudes, voluntary childlessness, and family functioning, limited research has simultaneously examined responsibility, childbearing cognition, and contribution-oriented decision-making among childless couples. Most previous studies have focused primarily on demographic and economic predictors of fertility intention, while neglecting the psychological and relational mechanisms underlying couples' reproductive decisions (Movahedmajd et al., 2024; Sharif-Nia et al., 2024). Therefore, the present study aimed to validate a model of responsibility and childbearing cognition based on the contribution-oriented approach in the decision-making performance of childless couples.

Methods and Materials

The present study employed a descriptive-correlational design using structural equation modeling. The statistical population consisted of childless couples residing in Tehran in 2026. Eligibility criteria included being married for at least two years, not having children, possessing at least a high school diploma, and willingness to participate in the study. Couples with severe psychiatric disorders, recent family crises, or ongoing psychological treatment were excluded from the research.

A total of 420 individuals (210 couples) were selected through purposive and convenience sampling from counseling centers, psychological clinics, family health centers, and online communities related to childless couples in Tehran. After obtaining informed consent and explaining the purpose of the study, participants completed the questionnaires either in person or online.

Data collection instruments included the Responsibility subscale of the NEO Personality Inventory, the Childbearing Cognition Questionnaire, and the Couple Contribution-Based Decision-Making Questionnaire. The responsibility scale assessed commitment, accountability, organization, and role-related responsibility. The childbearing cognition questionnaire measured attitudes, emotional readiness, and cognitive perceptions toward fertility and parenting. The contribution-based decision-making scale evaluated couples' participation in family decisions, collaborative problem-solving, emotional interaction, and mutual responsibility-sharing.

Data were analyzed using SPSS-27 and AMOS-26 software. Descriptive statistics, including means, standard deviations, skewness, and kurtosis, were calculated. Pearson correlation coefficients were used to examine relationships among variables. Structural equation modeling with maximum likelihood estimation was employed to test the proposed model. Model fit was evaluated using indices including Chi-square/degrees of freedom ratio, Comparative Fit Index, Goodness-of-Fit Index, Adjusted Goodness-of-Fit Index, Incremental Fit Index, and Root Mean Square Error of Approximation.

Findings

The mean age of participants was 34.72 years with a standard deviation of 6.18. Approximately 52.1 percent of participants were women and 47.9 percent were men. The average duration of marriage was 7.43 years. Preliminary analyses indicated that skewness and kurtosis values were within acceptable ranges, confirming the normality of data distribution.

The findings revealed significant positive correlations among all study variables. Responsibility was positively associated with childbearing cognition and contribution-based decision-making. Furthermore, childbearing cognition was positively related to couples' contribution-oriented participation in family decision-making.

Structural equation modeling demonstrated that the proposed model had an acceptable fit with the collected data. The ratio of Chi-square to degrees of freedom was 2.41, indicating an adequate model fit. The Comparative Fit Index, Goodness-of-Fit Index, Adjusted Goodness-of-Fit Index, and Incremental Fit Index were all above 0.90. The Root Mean Square Error of Approximation was 0.058, indicating satisfactory model adequacy.

Path analysis results showed that responsibility had a significant direct effect on contribution-based decision-making among childless couples. In addition, responsibility significantly predicted childbearing cognition. Childbearing cognition also exerted a significant direct effect on couples' contribution-oriented decision-making performance.

The indirect effects analysis indicated that childbearing cognition mediated the relationship between responsibility and contribution-based decision-making. Couples with higher levels of responsibility tended to develop more positive attitudes toward childbearing, which in turn enhanced their participation, collaboration, and shared decision-making within the family system.

Discussion and Conclusion

The findings of the present study confirmed the validity of the proposed model and highlighted the important role of responsibility and childbearing cognition in contribution-oriented decision-making among childless couples. The results suggest that fertility decisions are deeply embedded within interpersonal dynamics, emotional participation, and shared responsibility patterns between spouses.

Responsibility emerged as a key predictor of both childbearing cognition and collaborative family decision-making. Couples who demonstrated greater responsibility appeared more prepared to engage in constructive discussions regarding family formation, parenting roles, and future planning. Such individuals may perceive parenthood not merely as a burden but as a meaningful and manageable life responsibility.

The findings also demonstrated that positive childbearing cognition contributes significantly to couples' collaborative interactions and shared decision-making. Couples with more optimistic attitudes toward fertility and parenting showed stronger participation in family-related discussions and decisions. This suggests that fertility intention is influenced not only by external social or economic conditions but also by couples' emotional security, relational quality, and cognitive interpretation of parenthood.

Another important finding was the mediating role of childbearing cognition in the relationship between responsibility and contribution-based decision-making. This result indicates that responsible individuals are more likely to develop adaptive and constructive attitudes toward parenting, which subsequently increases their willingness to engage collaboratively in marital and family decisions.

The contribution-oriented approach provided a meaningful theoretical framework for interpreting the study findings. Families characterized by shared responsibility, emotional participation, and mutual support appear more capable of managing the psychological and relational demands associated with childbearing decisions. The findings imply that strengthening contribution-oriented interactions may enhance couples' readiness for parenthood and improve family functioning.

Overall, the present study emphasizes the importance of integrating psychological, relational, and family-centered perspectives in understanding fertility intentions and childbearing decisions. The validated model may contribute to future counseling interventions, family education programs, and fertility-related policymaking aimed at promoting healthy family relationships and informed reproductive decision-making among couples.

فهرست منابع

References

AlAteeq, D. A., Alenzi, E. O., Alamri, R. A., Aloraini, A. A., Alassaf, D. S., Almutlaq, N. I., Aloglla, S. S., Almajhad, A. A., & Jahhaf, R. H. (2025). Women's attitudes toward fertility and childbearing: A national cross-sectional study in Saudi Arabia. *Healthcare*, *13*(20), 2616. https://doi.org/10.3390/healthcare13202616

Amanollahi, Z., Rokni, R., & Kakavandi-Cheghasefid, M. (2025). Investigating the effectiveness of an educational package based on the Quranic share-based approach on adolescents' lifestyle. *Islamic Lifestyle Centered on Health*, *9*(2), 139-151. https://www.islamiilife.com/article_228762.html

Asali Talkouei, S., Esmaili, M., Borjali, A., & Asgari, M. (2022). Designing and validating a parent-child interaction model based on Quranic teachings with emphasis on the share-based approach. *Educational Sciences from the Islamic Perspective*, *10*(18), 63-89. https://doi.org/10.30497/esi.2022.242312.1508

Dehdast, K., Omidbakhsh, M., & Ghahremani Motlagh, F. (2023). The effectiveness of a family-in-law adjustment program based on the Quranic theory of sharing in improving marital satisfaction: A single-case study. *Journal of Clinical Psychology Achievements*, *9*(1), 57-72. https://doi.org/10.22055/jacp.2024.45098.1321

Enjazab, B., Bakaei, M., & Salmanabad, F. (2023). Attitudes and factors affecting the intention toward childbearing among married women of reproductive age during the coronavirus pandemic in Yazd. *Journal Of Shahid Sadoughi University Of Medical Sciences*, *31*(7), 6854-6863. https://doi.org/10.18502/ssu.v31i7.13696

Esmaili, M. (2014). Presenting a share-based family therapy model for resolving family conflicts. *Culture of Counseling and Psychotherapy*, *5*(20), 27-57. https://qccpc.atu.ac.ir/article1945_98.html

Esmaili, M., Shadabmehr, F., & Dehdast, K. (2023). Development and evaluation of some psychometric properties of the contributive lifestyle questionnaire. *Counseling Research*, *22*(86), 56-87. https://doi.org/10.18502/qjcr.v22i86.13548

Ghaffari Sardasht, F., & Mottaqi, Z. (2020). Explaining factors affecting childbearing based on women's perspectives: A qualitative study. *Navid No*, *23*(76), 33-43. https://doi.org/10.22038/nnj.2020.52797.1238

Hosseini, B., Esmaili, M., Farahbakhsh, K., & Salari Far, M. (2023). A childbearing motivation model based on the lived experiences of families with one child and families with more than two children. *Cultural-Educational Quarterly of Women and Family*, *18*(65), 45-68. https://cwfs.ihu.ac.ir/article208464.html?lang=fa

Huczewska, I., & Mynarska, M. (2025). From parentification to parenthood: Caregiving responsibilities in childhood and childbearing desire in young adulthood. *Journal of Reproductive and Infant Psychology*, *43*(1), 4-18. https://doi.org/10.1080/02646838.2023.2220356

Jia, Y., & Yue, Y. (2025). Sense of responsibility mediates proactive personality and prosocial behavior in nursing undergraduates: A cross-sectional study. *BMC Medical Education*, *25*, 527. https://doi.org/10.1186/s12909-025-07068-z

Khalati, A., Shojaei, M., & Mousavi, F. (2023). Predicting children's responsibility based on birth order and parents' parenting styles. *Family Educational and Psychological Studies*, *4*(8), 9-24. https://mtr.jz.ac.ir/article196061.html

Li, R. (2025). The impact of subjective well-being on the fertility intentions of women of childbearing age. *Critical Humanistic Social Theory*, *2*(1). https://doi.org/10.62177/chst.v2i1.159

Molaei Mahneh, A., Yaghoubi, M., Babaei, M., Talebi, S., & Atadokht, A. (2025). Predicting the level of responsibility based on purposefulness in life with the mediating role of solution-building mindset among students: A case study of University of Mohaghegh Ardabili. *Culture in the Islamic University*, *15*(56), 27-46. https://doi.org/10.22034/ciu.2025.56.27

Motahari Nasab, Z., Esmaili, M., Naeimi, A., & Asgari, M. (2024). Designing and validating a counseling model for managing marital conflicts based on the share-based approach. *Islamic Lifestyle Centered on Health*, *8*(4), 703-717. https://www.islamiilife.com/article_214774.html

Movahedmajd, M., Zare, S., & Fazeli, M. (2024). A sociological study explaining social factors of attitudes toward child adoption: A case study of married women in Shiraz. *Woman and Society Quarterly*, *15*(60), 15-27. https://doi.org/10.30495/jzvj.2024.33537.4204

Muthini, M. (2022). *The relationship between involuntary childlessness and marital stability: A case study of Waiting Wombs Trust-Kenya* University of Nairobi].

Nijs, T., Martinovic, B., & Verkuyten, M. (2024). The two routes of collective psychological ownership: Rights and responsibilities explain intentions to exclude outsiders and engage in stewardship behavior. *Personality and Social Psychology Bulletin*, *50*(2), 270-284. https://doi.org/10.1177/01461672221129757

Rashidi-Al-Hashem, M. (2023). A sociological explanation of factors affecting fertility tendency from the perspective of employed women in education. *Population and Family Governance Quarterly*, *1*(1), 46-85. https://pdj.ihu.ac.ir/article208595.html

Rouhani, A., Rezaei, S., Askari Nadoushan, A., & Ali-Mandegari, M. (2025). Concerns about responsibility in childbearing and reinterpretation of the meaning of the child: A study in Isfahan. *Social Studies and Research in Iran*, *14*(2), 305-325. https://doi.org/10.22059/jisr.2025.389832.1583

Sharif-Nia, H., Ahmadzadeh Tori, N., Behmanesh, F., Ghaffari, F., & Pourreza, A. (2024). Development and psychometric evaluation of the questionnaire on the contributing factors of tendency towards voluntary single-childedness and childlessness: A mixed method study. *Scientific reports*, *14*(1), 1305. https://doi.org/10.1038/s41598-024-51178-5

Xiong, Y., Jiao, G., Zheng, J., Gao, J., Xue, Y., Tian, B., & Cheng, J. (2022). Fertility intention and influencing factors for having a second child among floating women of childbearing age. *International journal of environmental research and public health*, *19*(24), 16531. https://doi.org/10.3390/ijerph192416352